

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

ص ۲۱-۳۸

## بررسی تطبیقی سیمای فرعون در قرآن و عهد قدیم

سید عباس خیراللهی\* اصغر کریمی رکن‌آبادی\*\* علی محمد میرجلیلی\*\*\*

### چکیده

از جمله روش‌هایی که کتاب‌های مقدس برای تبلیغ و آموزش بشر به کار می‌برند، استفاده از قصه است؛ قصه‌هایی که ریشه در وقایع حقیقی تاریخ داشته، عبرت و الگوی خوبی برای آیندگانند. سرگذشت فرعون و فرعونیان و چالش‌هایی که حضرت موسی (ع) و دیگر انبیاء در مقابل فرعون با آن مواجه بوده‌اند، یکی از موضوعات مهم مد نظر قرآن کریم و عهد قدیم است. این تحقیق با جستجو در آیات قرآن کریم و کتاب مقدس (عهد قدیم)، به معرفی فرعون پرداخته است. بخشی از زندگی، رسالت و مبارزه موسی (ع) به فرعون طاغوت زمانش مربوط می‌شود، از طرف دیگر همین پیامبر در کتاب مقدس به عنوان منجی و نجات‌دهنده بنی اسرائیل از چنگال فرعون معرفی شده است. این که فرعون زمان موسی (ع) در قرآن و کتاب مقدس به چه نحوه‌ای معرفی شده، بر روی چه فرازی از زندگی و شخصیت او در هر دو کتاب تأکید شده و به چه جنبه‌ها و فرازهایی از زندگی این شخصیت و حکومت او کمتر پرداخته شده و یا اصلاً پرداخته نشده، از مواردی است که سعی شده است در این پژوهش به آن پرداخته شود. هر یک از قرآن و کتاب مقدس بر بخش‌های ویژه‌ای از زندگی و منش فرعون و حضرت موسی (ع) متمرکز شده‌اند. در پایان، وجوه اشتراک و افتراق این دو کتاب را در بیان سیمای فرعون بررسی کرده ایم.

### واژه‌های کلیدی

قرآن، عهد قدیم، موسی، فرعون، بنی اسرائیل.

## مقدمه

در طول تاریخ، همیشه کسانی سد راه پیامبران و رسالت آنها بوده و از هیچ دشمنی و اذیت و آزاری در حق آنان و پیروانشان کوتاهی نکرده‌اند. یکی از این پیامبران بزرگ، حضرت موسی (ع) و دشمن او فرعون است. داستان فرعون از قصه‌های مکرر در قرآن است؛ از جهتی دیگر چون اوضاع بنی اسرائیل تا زمان خروجشان از مصر با وی گره خورده است. در کتاب‌های مقدس بنی اسرائیل نیز از او یاد شده است. پرسش اصلی این است که قرآن کریم و عهد عتیق داستان فرعون را چگونه به تصویر کشیده‌اند؟ آیا در قرآن و عهد عتیق هویت فرعون دوران موسی (ع) مشخص شده است؟ صفات و ویژگی‌های اخلاقی فرعون دوران موسی (ع) در قرآن و عهد عتیق چگونه ترسیم شده‌است؟ صفات و ویژگی‌های اخلاقی فرعون دوران موسی (ع) در قرآن و عهد عتیق چگونه ترسیم شده است؟ نقاط اشتراک، وجه تمایز و امتیازات قرآن و عهد عتیق در معرفی طاغوت زمان موسی (ع) چیست؟

بیشترین تکرار قصه در قرآن در داستان موسی (ع) و فرعون و سرگذشت بنی اسرائیل صورت گرفته است؛ داستان فرعون با حضرت موسی و بنی اسرائیل در ۲۷ سوره از سوره‌های قرآن که اغلب آن مکی است، بیان شده است. اما در «عهد عتیق» با دو فرعون در زمان حضرت موسی (ع) مواجهیم که شاکله اصلی داستان تقریباً به طور کامل و به ترتیب تاریخی در سفر خروج (شموت) بیان شده و در بعضی از اسفار دیگر در حد یک یا دو آیه به عاقبت فرعون دوم و غرق او اشاره شده است. البته در «عهد جدید» از کتاب مقدس نیز اشاراتی هرچند کوتاه به فرعون دوران موسی (ع) شده است.

فرعون از نگاه قرآن انسان کفر پیشه زرسالار و آکنده از رذایل اخلاقی است. او در مدت حکومت وحشیانه و ستمگرانه خود تسلیم امر خدا و پیامبرش نمی‌شود و همواره با آنها سر ستیز دارد. فرعون از هیچ جنایتی در حق بنی اسرائیل دریغ نمی‌کند و سرانجام او و لشکریانش در جریان تعقیب موسی (ع) و بنی اسرائیل در دریا غرق می‌شوند. ولی در

عهد عتیق، از دو فرعون در زمان رسالت موسی (ع) نام برده شده که اولی، مدت حکومتش تا زمان فرار موسی (ع) به مدین است ولی فرعون زمان رسالت موسی (ع) شخص دیگری است که همانند فرعون اول به اذیت و آزار بنی اسرائیل می‌پردازد و در جریان تعقیب موسی (ع) و بنی اسرائیل در دریا غرق می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن است که آیات و مباحث مربوط به فرعون در قرآن کریم و کتاب مقدس (بخش عهد عتیق) به صورت مقایسه‌ای بررسی شود تا معلوم شود قرآن و کتاب مقدس، فرعون و شخصیت او، صفات و حکومت او را چگونه به تصویر کشیده‌اند.

## ۱. فرعون در قرآن

در قرآن، مقصود از فرعون، پادشاه مصر معاصر حضرت موسی است؛ اما فرعون نام پادشاه زمان حضرت موسی نیست، بلکه کلمه فرعون، لقب هر یک از پادشاهان مصر است. درباره نام فرعون زمان موسی (ع) نظرات چندی بیان شده است محمد بن جریر طبری می‌نویسد: «به روزگار موسی، فرعون مصر، قابوس پسر مصعب، پسر معاویه دومین پادشاه زمان یوسف بود و زن فرعون دختر مزاحم پسر عبید پسر ریان پسر ولید، فرعون اول یوسف بود و چون به موسی ندا آمد بدانست که قابوس پسر مصعب بمرده و برادرش ولید پسر مصعب که سرکش تر و کافرتر از برادر بود به جایش نشست» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۹۵)

آیه الله معرفت در مورد هویت فرعون زمان موسی می‌گوید: «گفته می‌شود وی «توتانخامون» از پادشاهان خانواده هیجدهم است که دوره پادشاهی اش میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ پیش از میلاد مسیح بوده است؛ به این ترتیب از آن زمان تاکنون تقریباً سه هزار و سیصد سال می‌گذرد» (معرفت، ۱۳۸۵: ۴۴۶). نیز گفته شده نام وی منططای (منفتاح) اول از خانواده نوزدهم (۱۲۲۳-۱۲۱۱ ق.م) بوده است و بنا به قول دیگر: نامش (سیتی) دوم فرزند منفتاح (۱۲۰۷-۱۲۰۲ ق.م) است» (همان: ۴۴۶). برخی دیگر از اندیشمندان او را رامسس دوم معرفی کرده‌اند که سومین پادشاه از خانواده نوزدهم مصر

است و در نزد یونان «سسوترس» یا «سسوتر» ذکر شده است (شوشتری، ۱۳۷۴: ۳۲۳-۳۲۴). مجمع البیان به نقل از ضحاک درباره وضعیت ظاهری فرعون می‌گوید «فرعون ۴۰۰ سال زندگی کرد و فردی کوتاه و فریه بود و اول کسی بود که به موهای خود رنگ گذاشت» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۹).

## ۲- باورهای فرعون

### ۱-۲ کفر به ربوبیت خدا

قرآن کریم می‌فرماید: «به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ فرعون گفت: پروردگار عالمیان چیست» (شعرا/ ۱۶ و ۲۳). علامه طباطبایی معتقد است که فرعون خود بت می‌پرستید، با این وجود ادعای الوهیت هم داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۳۷۳). بسیار بعید است که فرعون این سخن را واقعا برای فهم مطلب گفته باشد بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که برای تجاهر و تحقیر، این سؤال را مطرح کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۰۹). در واقع از آنجا که سؤال مستکبرین، مغرورانه و همراه با تحقیر دیگران است. فرعون گفت: «وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ» و نگفت: «وَمَنْ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (حرف «ما» در زبان عرب برای جمادات به کار می‌رود (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸ / ۳۰۳). برای همین برخی مفسرین گفته اند، احتمال دارد که فرعون خدا را می‌شناخته و از سر ریاست و فرمانروایی به ربوبیت او کافر شده است (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۴۹۸).

### ۲-۲ انکار الوهیت خداوند بر جهان هستی

«فرعون گفت: این جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتر) ای هامان! برایم آتش از گل بیفروز و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم» (قصص/ ۳۸). براساس آیات قرآن فرعون مخالفین الوهیت خود را به زندان تهدید می‌کرد: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء/ ۲۹) بعضی از مفسران معتقدند که الف و لام در «المسجونین» الف و لام عهد است، و اشاره به زندان مخصوصی است که هر کس را به آن می‌افکندند، برای همیشه در آن می‌ماند تا جنازه او را از زندان بیرون آورند (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۵۰۰ و آلوسی،

### ۲-۳ شرک و بت پرستی

قرآن کریم شرک فرعون را اینگونه تصویر می‌کند: «و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!...» (اعراف/ ۱۲۷). یا می‌فرماید: «... هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر خدا می‌خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز به هلاکت آنان نیفزودند» (هود/ ۱۰۱).

این آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه فرعون علی‌رغم آنکه مدعی الوهیت بود و مردم را به پرستش خود وادار می‌نمود، خود نیز شخصا خدایان دیگری را می‌پرستید. علامه طباطبایی در ذیل این آیات می‌فرماید: «از این جمله به خوبی بر می‌آید که فرعون هم ادعای الوهیت می‌کرد و مردم را به پرستش خود می‌خواند و هم خودش خدایانی برای خود داشته و آنها را می‌پرستید» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸ / ۲۸۴).

### ۲-۴ اعتقاد به وجود فرشتگان

آیاتی از قرآن نشان می‌دهند که فرعون به وجود فرشتگان قایل بوده است: «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ... اگر (راست می‌گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه فرشتگان دوشادوش او نیامدند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟!» (زخرف/ ۵۱ و ۵۳) حسینی همدانی درباره این آیه می‌نویسد: «از جمله سخنان هتک آمیز فرعون درباره موسی کلیم علیه السلام می‌گفت چنانچه مقام و شخصیتی در انظار مردم قبط می‌داشت باید وسایل عظمت و ثروت در برداشته باشد بطلاها خود را مزین نماید و طوق طلا پیوسته بهمراه داشته و فرشتگان با او کمک و یاری نمایند و دعوی رسالت او را گواهی دهند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵: ۱۳۷). آمدن ملائکه در زبان بسیاری از منکران نبوت آمده است؛ آیه ۷ سوره فرقان به این موضوع اشاره می‌کند؛ «چرا به همراه او فرشته‌ای فرستاده نشد تا او را در ادای رسالتش کمک کند؟» طبرسی می‌نویسد: «کافران گمان می‌کردند اگر فرشته‌ای به

گمراه کند و برای همین هم هست که ثروتمندان در هر عصر به فرمانروایی دست می‌بایند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۶/۵۵۳).

#### ۴- دشمنان و مخالفان فرعون

فرعون به عنوان حاکمی با تمام رذائل اخلاقی مانند: طغیانگری، استکبار، کفرپیشگی، جنایت، قساوت و سنگدلی دارای مخالفان و دشمنان زیادی بود که در این بخش به معرفی مخالفان او و حکومتش می‌پردازیم.

##### ۱-۴ خدا

اولین، مهمترین و قدرتمندترین دشمن فرعون، خداوند بزرگ و بلند مرتبه است. قرآن می‌فرماید: «هنگامی که به مادرت آنچه را که [باید] وحی می‌شد وحی کردیم. که او را در صندوقچه‌ای بگذار سپس در دریایش افکن تا دریا [رود نیل] او را به کرانه اندازد [و] دشمن من و دشمن وی او را برگردد...» (طه/۳۸ و ۳۹) در واقع حضرت موسی(ع) دوران کودکی و شیرخوارگی را در دامن کسی می‌گذراند که او دشمن خدا و دشمن پیامبرش می‌باشد و طبعی است کسی که دشمن خدا باشد، خدا نیز دشمن اوست: «کسی که دشمن خدا ... باشد خداوند دشمن کافران است» (بقره/۹۸) درباره معنای دشمنی فرعون با خدا باید گفت فرعون از جهت کفر خود به خدا، دشمن خداوند شمرده می‌شود (رازی، ۱۴۲۰: ۲۲/۴۸).

#### ۲-۴ پیامبران الهی

##### ۱-۲-۴ حضرت موسی(ع)

فرعون، که بنا به تعبیر قرآن دشمن خداست، «عَدُوٌّ لِي» (طه/۳۹) قطعاً با فرستاده و پیامبر او نیز دشمن است «وَ عَدُوٌّ لَهُ» (طه/۳۹). برخی مفسرین معتقدند تکرار واژه عدو از جهت مبالغه است و کثرت دشمنی از همه جهات را نشان می‌دهد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/۵۰۲). اما خداوند برای اینکه حجت خویش را بر همه انسان‌ها تمام کند، می‌بایست پیامبران را به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده بفرستد تا راه را بر هر عذر و بهانه‌ای برای تمام انسان‌ها ببندد. در این باره قرآن می‌فرماید: «پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران در مقابل خدا [بهانه و] حجتی نباشد...»

کمکش می‌آمد، بهتر بود. حال آنکه انسان با انسان که هم جنس اوست، بهتر انس می‌گیرد تا فرشته که هم جنس نیست» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۷/۱۸۴).

#### ۲-۵ انکار قیامت

فرعون روز واپسین را منکر بود: «سرانجام فرعون و لشکریانش به ناحق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند» (قصص/۳۹). از این آیه معلوم می‌شود فرعون از سر تکبر و خود برتر بینی به آیات و نشانه‌های خداوند و نیز به روز واپسین باور نداشت (قطب، ۱۴۱۲: ۵/۲۶۹۵). این بیان در آیات دیگری از قرآن نیز آمده است: «موسی گفت: من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد» (غافر/۲۶ و ۲۷). گفتار حضرت موسی نشان می‌دهد افرادی که دارای این دو ویژگی (تکبر و عدم ایمان به روز قیامت) باشند آدم‌های خطرناکی محسوب می‌شوند و باید از چنین افرادی به خدا پناه برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۸۰).

#### ۳- مبانی ارزشی فرعون؛ قدرت و ثروت

از دیدگاه فرعون و سایر مستکبران و طاغوت‌های تاریخ، معیار ارزشمندی انسانها، مال و ثروت و مقام ظاهری و شهرت آنها است. فرعون برای بی ارزش جلوه دادن موسی و تحقیر او دست به دامن ارزشهای پستی چون قدرت (ملک مصر) و ثروت و زیور آلات می‌زند و خود را با این امور مادی با موسی(ع) مقایسه می‌کند، تا برتری خویش را به اثبات رساند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/۸۶) قرآن می‌فرماید: «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟! آیا نمی‌بینید؟! مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم؟! (اگر راست می‌گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده است، ...» (زخرف/۵۱-۵۳). این آیه نشان می‌دهد که منطق فرعون بر بزرگی، شان و عظمتش، همانا مال و ثروت، دستبندهای طلا و ... است؛ و بدین واسطه می‌خواهد مردم را

### ۵- شیوه مقابله فرعون با دشمنان و مخالفان خود

فرعون از هر شیوه و ابزاری برای سرکوب و تضعیف دشمنان و مخالفان و حتی قومش در جهت استقرار حکومت جابرانه و ظالمانه خویش بهره می‌گرفت. هدف او حکومت بود و او برای تحقق این هدف هر شیوه‌ای را به کار می‌بست، این شیوه‌ها را می‌توان به دو دسته «نرم» و «خشونت آمیز» تقسیم کرد که در این قسمت به بیان این شیوه‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۵ شیوه نرم

##### ۱-۱-۵ احتجاج

احتجاج کردن به معنای اقامه برهان و دلیل بر خصم، از شیوه‌های نرم فرعون برای تضعیف موسی و نفی رسالت ایشان بود که در آیات ۵۲ و ۵۳ زخرف بدان اشاره شده است:

۱- فصیح نبودن موسی (ع) «وَلَا يَكَادُ بَيْنُ»

۲- نداشتن زیور آلات «أَفَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ»

۳- عدم همراهی ملائکه با موسی (ع) «أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ»

در واقع فرعون با سفسطه‌بازی و مغلطه‌کاری می‌خواست جلو نفوذ موسی ع را در افکار مردم مصر بگیرد، دست به دامن ارزشهای پستی می‌زند که بر آن محیط حاکم بود و خود را با این ارزشها با موسی مقایسه می‌کند تا برتری خویش را به ثبوت رساند، چنان که قرآن در آیات مورد بحث می‌گوید: " فرعون در میان قوم خود ندا داد که ای قوم من! آیا حکومت سرزمین پهناور مصر از آن من نیست؟ و این نهرهای عظیم تحت فرمان من قرار ندارد؟ و از قصر و مزارع و باغهای من نمی‌گذرد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/ ۸۴).

#### ۱-۲-۵ ترور شخصیت

از دیگر روش‌های نرم فرعون برای تضعیف و سرکوب مخالفان خود، ترور شخصیت آنها بود. انواع تهمت‌ها و افتراهایی که فرعون به موسی (ع)، هارون و حتی ساحران پس از توبه کردن می‌زد، در راستای ترور شخصیت آنها بود که در آیات متعددی از قرآن بدان اشاره شده است. این موارد عبارتند از:

الف) ترور شخصیت موسی:

(نساء/۱۶۵) به هر حال در تعبیر قرآن هم فرعون دشمن موسی (ع) است «عَدُوًّا لَهُ» (طه/۳۹) و هم موسی (ع) دشمن فرعون و پیروانش و مایه حزن و اندوه آنها است «لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزْنًا» (قصص/۸) و این دشمنی در حدی است، که فرعون در صدد است که حضرت موسی (ع) را همان هنگام تولد از بین ببرد (طه/۳۷-۳۹ و قصص/۷).

#### ۲-۲-۴ هارون (ع)

نام هارون (ع) ۲۰ بار در قرآن ذکر شده است. هارون (ع) با توجه به آیات قرآن از پیامبران مرسل بوده است (مومنون/۴۵) کسی که دارای نور و روشنایی و وسیله تشخیص حق از باطل بود (انبیاء/۴۸). قرآن کریم او را پیامبری می‌خواند که خداوند از باب رحمتش به موسی (ع) بخشیده است (مریم/۵۳). گفته شده هارون (ع) برادر بزرگتر موسی (ع) بوده و سه سال با او فاصله سنی داشته است. قامتی بلند و رسا، زیبایی گویا و درک عالی داشته است و سه سال قبل از وفات موسی (ع) از دنیا رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۱۸۹). یکی از اولین دعا‌های حضرت موسی (ع) پس از مبعوث شدن به رسالت از زبان قرآن، این است که، هارون (ع) برادرش را به عنوان وزیر و پشتیبانش، او را در انجام رسالت خطیرش یاری کند (طه/۲۹-۳۲).

#### ۳-۲-۴ شعیب (ع)

قرآن درباره ظالم بودن حکومت فرعون، از نظر شعیب (ع) می‌فرماید: «... هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: ترس از قوم ظالم نجات یافتی» (قصص/۲۵). بعد از مهاجرت اضطراری موسی (ع) از مصر و آمدن او به مدین، این پیامبر بزرگ الهی در شهر مدین، با شعیب یکی دیگر از پیامبران خدا دیدار می‌کند و تمام حوادث و اتفاقاتی که در مصر از ناحیه فرعون بر او گذشته است را بیان می‌کند. شعیب موسی را بشارت می‌دهد که از قوم ستمگر نجات یافته‌ای (طوسی، بی تا: ۸/ ۱۴۲ و طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۳۵). شعیب به عنوان پیامبر الهی، حکومت فرعون را ظالم می‌داند و طبیعی است که دشمن چنین حکومت و حاکمی نیز باشد.

ید بیضا که مکرر ذکر شده آنها در بدو امر خندیدند و تصور نمودند شعبده و سحر است» (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۴/۶۰۹).

#### ۴,۱,۵. تحقیق

یکی از سیاست‌های فرعون این بود که مردم را از درون خالی می‌کرد کانون مقاومت مردم را منهدم می‌نمود تا ناگزیر مردم از او اطاعت کنند. اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آنها را تحمیق کنند، آنها را در یک حال بیخبری از واقعیتها فرو برند و ارزشهای دروغین را جانشین ارزشهای راستین کنند و دائماً آنها را نسبتاً به واقعیتها شستشوی مغزی دهند. چرا که بیدار شدن ملت‌ها و آگاهی و رشد فکری ملت‌ها بزرگترین دشمن حکومت‌های خودکامه و شیطنانی است که با تمام قوا با آن مبارزه می‌کنند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۸/۲۱) برای همین قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فرعون قوم خود را تحمیق کرد پس از او اطاعت کردند» (زخرف/۵۴). این چنین ترفندی باعث می‌شد، عوام از فرعون پیروی کنند نه از موسی (ابن عاشور، بی تا: ۲۵/۲۷۱).

#### ۵,۱,۵. سوء استفاده از تعصب دینی

فرعون، ترس از تغییر دین مردم را دلیل قتل موسی می‌داند و به ظاهر خود را طرفدار دین و دلسوز به عقاید مردم معرفی می‌کند و از این عقاید دینی ولو اینکه باطل هم باشد سوء استفاده می‌کند تا بتواند باموسی و رسالت او مبارزه کند: «و فرعون گفت بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد) من از این می‌ترسم که آئین شما را دگرگون سازد...» (غافر/۲۶) چرا که این یک برنامه همیشگی است که اطرافیان شاهان مایلند همیشه فکر آنها مشغول کاری باشد و آنها آسوده خاطر به تامین منافع نامشروع خود بپردازند، لذا گاهی دشمنان خارجی را تحریک می‌کردند تا از شر فراغت "شاه" در امان بمانند! سپس فرعون برای توجیه تصمیم قتل موسی دو دلیل برای اطرافیانش ذکر می‌کند: یکی جنبه به اصطلاح دینی و معنوی دارد، و دیگر جنبه دنیوی و مادی می‌گوید: "من از این می‌ترسم که آئین شما را عوض کند!

- افترای افسون شدن به موسی (اسراء/۱۰۱)

- متهم شدن به جادوگری (یونس/۷۶- زاریات/۳۹- طه /۷۱- غافر/۲۴)

- متهم شدن به دروغگویی (قصص/۳۸- غافر/۲۴ و ۳۷)

- نسبت ناروای جنون (شعراء/۲۷- زاریات/۳۹)

- اتهام تصمیم برای آواره کردن فرعونیان با جادوگری (طه/۶۳)

- حقیر نشان دادن موسی(ع) و موقعیت اجتماعی او (زخرف/۵۱ و ۵۲)

ب) ترور شخصیت هارون

- نسبت جادو به هارون (ع) (یونس/۲۶- طه/۶۳)

ج) ترور شخصیت ساحران

- تهمت به جادوگران خود، مبنی بر تعلم سحر از موسی(ع) و

همدست بودن با او (طه/۷۰-۷۱- شعراء/۴۶-۴۹)

- تهمت به جادوگران خود، مبنی بر توطئه آنها برای آواره کردن مردم از سرزمین خود (اعراف/۱۲۰-۱۲۳)

#### ۳,۱,۵. تمسخر

خنده استهزاء آمیز فرعون در برابر معجزات موسی(ع) و تمسخر این پیامبر بزرگ الهی از دیگر شیوه‌های نرم فرعون برای تضعیف حضرت موسی(ع) و نفی رسالت ایشان بود. این شیوه در آیه ۴۷ سوره زخرف بدان اشاره شده است: «پس چون آیات ما را برای آنان آورد، ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند.» این نخستین برخورد همه طاغوتها و جاهلان مستکبر در برابر رهبران راستین است، جدی نگرفتن دعوت و دلایل آنها، و همه را به سخریه و مضحکه پاسخ گفتن، تا به دیگران بفهمانند که اصلاً دعوت آنها قابل بررسی و مطالعه و جوابگویی نیست، و ارزش یک برخورد جدی را ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۹/۲۱). تقفی تهرانی ذیل این آیه می‌نویسد: «خداوند متعال برای تذکر بندگان بحسن عاقبت اهل ایمان و سوء خاتمت اهل عصیان و تسلیت خاطر پیغمبر خود از آزار کفار و گفتار ناهنجار قصه حضرت موسی را عنوان فرموده می‌فرماید ما او را با معجزاتی نزد فرعون و اکابر مملکت مصر فرستادیم و بعد از ادعای نبوت و ارائه معجزات از قبیل عصا و

ج) کشتار بی‌رحمانه بنی اسرائیل: اذیت و آزار بنی اسرائیل از جانب فرعون با کشتار پسران و زنده نگه داشتن زنانشان صورت می‌گرفت (اعراف/۱۲۷ و قصص/۴ و بقره/۴۹). این خشونت هم قبل از رسالت موسی(ع) و هم بعد از آن ادامه داشت (اعراف/۱۲۹). قرآن از عذاب‌های فرعون بر بنی اسرائیل به «عذاب مهین» (دخان/۳۱) یعنی عذاب خوار کننده تعبیر می‌کند.

د) خشونت فرعون نسبت به همسر خویش: «او خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، ... و نجات بده مرا از فرعون و کار او و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش» (تحریم/۱۱).

## ۶. فرجام فرعون در دنیا

### ۱.۶.۱. بلاهای هشدار دهنده به فرعون

قبل از اینکه فرعون به فرجام کار و مجازات نهائی اش که همان هلاکت و نابودی است برسد، خداوند بر او و پیروانش، بلاها و مصیبت‌هایی را نازل کرد تا شاید متذکر شوند (اعراف/۱۳۰). این بلاها و مصیبت‌ها به خاطر این بود که فرعون روز به روز بر سرکشی و طغیانش افزوده می‌شد و بر اذیت و آزار بنی اسرائیل می‌افزود تا اینکه بنی اسرائیل شکایت به موسی(ع) بردند (اعراف/۱۲۹). موسی در برابر این وضعیت از خدا خواستار مجازات فرعون و پیروانش شد. خداوند دعای او را مستجاب کرد (یونس/۸۷-۸۹) و بدین ترتیب بلاها و مصیبت‌های متعددی که قرآن از آن تعبیر به «رجز» (اعراف/۱۳۵) می‌کند بر آنها نازل شد؛ البته در فواصل مختلف و جدا از یکدیگر (چنانکه قرآن می‌گوید آیات مفصلات) (اعراف/۱۳۳) تا مهلت کافی برای بیداری و تنبه داشته باشند. این بلاها عبارتند از:

۱- خشکسالی (أخذ بالسنين)، ۲- کمبود میوه و محصولات (نقص من الثمرات)، ۳- طوفان، ۴- ملخ (جراد)، ۵- شپش (قمل)، ۶- قورباغه (الضفادع)، ۷- خون (الدم).

فرعون و پیروانش برای رفع بلاها دست به دامن موسی(ع) شدند و به او گفتند: اگر بلاها از ما برداشته شود به تو ایمان می‌آوریم. بلاها بر اثر دعای موسی(ع) از فرعون و پیروانش

دین نیاکانتان را بر هم زند! (إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۷۹)

### ۲.۵. شیوه خشونت آمیز

شیوه خشونت آمیز فرعون در برخورد با مخالفان خود را می‌توان به دو دسته «تهدید کردن» و عملی کردن تهدید که همان «شکنجه و قتل» باشد، تقسیم کرد. در واقع اینکه فرعون مخالفین خود از جمله موسی را تهدید به قتل می‌کرد، برای این بود که به مردم نشان دهد که موسی توان معارضة با او را ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۱۶۰).

### ۱.۲.۵. تهدید

الف) تهدید موسی به حبس از سوی فرعون، در صورت عدم پذیرش الوهیت خویش: «(فرعون) گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان فرار خواهم داد» (شعراء/۲۹)  
ب) تهدید موسی به قتل از جانب فرعون: «او فرعون گفت بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند.» (غافر/۲۶)

ج) تهدید شدن جادوگران ایمان آورنده به موسی(ع) به اعدام: سوگند می‌خورم که دست‌ها و پایهای شما را به طور مخالف قطع می‌کنم، سپس همگی را به دار می‌آویزم» (اعراف/۱۲۴ و طه/۷۱ و شعراء/۴۹).

### ۲.۲.۵. قتل، کشتار و شکنجه

الف) تصمیم فرعون به اعدام موسی(ع) و ناکامی او: براساس آیات قرآن موسی از زمان کودکی تا زمان نجات بنی اسرائیل سه بار با تصمیم جدی فرعون مبنی بر قتل خود، مواجه شد، اما هر بار کسی، فرعون را از قتل موسی(ع) مانع می‌شد و این توطئه با ناکامی روبه رو می‌شد بار اول همسر فرعون (قصص/۸ و ۹) و بار دوم و سوم مومن آل فرعون (قصص/۲۰ و غافر/۲۶) از قتل موسی(ع) ممانعت کردند.

ب) اعدام و به دار آویخته شدن جادوگران: نحوه شکنجه و قتل دسته جمعی ساحران با توجه به آیات قرآن (اعراف/۱۲۴- طه/۷۱ و شعراء/۴۹) اینگونه بیان شده است: ۱) بریدن دست و پا به طور خلاف و ۲) به دار آویختن آنها بر تنه درخت خرما.

گشتند که این مسأله همان طور که قبلاً گفته شده در ۱۲ سوره از سوره‌های قرآن بیان شده است.

### ۱،۲،۶. عوامل غرق فرعون

قرآن برای غرق فرعون و سپاهانش عوامل متعددی را بیان می‌کند که عبارتند از:

- ۱- استکبار (قصص/۳۸-۴۰)؛ ۲- تکذیب انبیاء و معاد (ص/۱۲-۱۴-ق/۱۲-۱۴-قصص/۳۸-۴۰)؛ ۳- حق ناپذیری (ذاریات/۳۸-۴۰)؛ ۴- عهد شکنی (زخرف/۴۵-۵۵)؛ ۵- ظلم (قصص/۳۸-۴۰)؛ ۶- فسق (زخرف/۵۱-۵۵)؛ ۷- گناه (عنکبوت/۳۹ و ۴۰-حاقه/۹ و ۱۰)؛ ۸- انتقام (غرق پس از خشم الهی و انتقام گیری از وی) (زخرف/۵۵).

### ۲،۲،۶. اظهار ایمان فرعون هنگام غرق شدن

قرآن در این باره می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» «... هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند وجود ندارد و من از مسلمین هستم» (یونس/۹۰). در واقع هنگامی که پیشگوییهای موسی یکی پس از دیگری بوقوع پیوست و فرعون بیش از پیش از صدق گفتار این پیامبر بزرگ آگاه شد، و قدرت‌نمایی او را مشاهده کرد، ناچار اظهار ایمان نمود، به امید اینکه همانگونه که «خدای بنی اسرائیل» آنها را از این امواج کوه پیکر رهایی بخشد، او را نیز رهایی بخشد، لذا می‌گوید: به همان خدای بنی اسرائیل ایمان آوردم! ولی بدیهی است چنین ایمانی که به هنگام نزول بلا و گرفتار شدن در چنگال مرگ اظهار می‌شود، در واقع یک نوع ایمان اضطراری است، که هر جانی و مجرم و گنهکاری دم از آن می‌زند، بی آنکه ارزشی داشته باشد و یا دلیل بر تکامل و حسن نیت و صدق گفتار او گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۳۷۵ و میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۴/۲۳۰).

### ۳،۲،۶. پذیرفته نشدن توبه فرعون و علت آن

قرآن در این باره می‌فرماید: «اما به او خطاب شد الان؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی و از مفسدان بودی» (یونس/۹۱). بدیهی است ایمان فرعون یک نوع ایمان اضطراری بوده است

برداشته شد؛ اما باز هم پیمان شکنی کردند و ایمان نیاوردند. مسأله تقاضای فرعون و پیروانش از موسی (ع) برای برداشته شدن بلاها و پیمان بستن با موسی (ع) مبنی بر ایمان آوردن و نقض پیمان در سوره‌های اعراف (آیات ۱۳۳ و ۱۳۴) و زخرف (۴۹ و ۵۰) بیان شده است.

### ۲،۶. غرق شدن فرعون و پیروانش در نیل

ماجرای غرق شدن فرعون و لشکریانش در ۱۲ سوره از سوره‌های قرآن بیان شده است؛ اما در سوره‌های شعراء و یونس و دخان شرح ماجرا مفصل تر از بقیه سوره‌ها بیان شده است؛ به هر حال با بررسی آیات قرآن می‌توان شرح ماجرا را این گونه بیان کرد:

الف) خروج شبانه موسی و بنی اسرائیل به فرمان خدا از مصر: به موسی دستور داده شد: بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می‌شوید» (دخان/۲۳).

ب) فرعون در تعقیب بنی اسرائیل و یافتن آنها در صبحگاهان: «آنها به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند» (شعراء/۶۰). این موضوع در دو سوره دخان/۲۳ و یونس/۹۰ نیز مطرح شده است.

ج) نگرانی بنی اسرائیل و دلداری موسی به آنها: «هنگامی که دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم (موسی) گفت: چنین نیست یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد» (همان/۶۱).

د) شکافته شدن دریا با عصای موسی به فرمان الهی و عبور بنی اسرائیل از آن با سلامتی: «و به دنبال آن به موسی وحی کردیم: عصایت را به دریا بزن (عصایت را به دریا زده) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! و در آنجا دیگران (لشکر فرعون) را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم» (همان/۶۳-۶۵).

ه) وارد شدن فرعون و لشکریانش در دریا و غرق شدن آنها: بعد از عبور بنی اسرائیل و موسی (ع) از دریا، فرعون و لشکریانش برای تعقیب بنی اسرائیل وارد دریا شدند و غرق



نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ" این است که: ای فرعون ما بدن تو را از دریا نجات می‌دهیم و در می‌آوریم. و اگر بیرون آوردن بدن مرده فرعون را نجات بدن او خوانده، باز به خاطر همان اتحادی است که بین نفس و بدن هست، و این اتحاد باعث می‌شود عملی که با یکی از آن دو واقع شود به نحوی بر آن دیگری نیز واقع شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۷۵).

می‌توان گفت منظور آیه باقی ماندن بدن فرعون به همان حالت برای نسل‌های بعدی است چون بدن چندین فرعون به صورت مومیایی در یکی از اهرام مصر گذاشته شده و هم اکنون نیز برجاست و شاید بدن فرعون زمان موسی نیز در میان آنها باشد و این به راستی مایه عبرتی برای نسل‌های بعدی و حتی نسل کنونی بشر است و می‌توان گفت که این یکی از معجزات قرآن است که از باقی ماندن جسد فرعون برای نسل‌های بعدی خبر داده، آنها در محیط مکه که کسی از اهرام مصر و بدن‌های مومیایی شده آن کوچکترین اطلاعی نداشتند (جعفری، بی تا: ۵/۱۴۲ و قطب، ۱۴۱۲: ۳/۱۸۱۸).

#### فرعون در عهد قدیم

##### ۷. فراغه انبیاء

کلمه «فرعون» به عنوان لقب پادشاهان مصر، در «عهد قدیم» برخلاف «قرآن» که فقط برای پادشاه زمان موسی (ع) به کار رفته است، برای پادشاهان زمان ابراهیم و یوسف نیز به کار رفته است. در حالی که در قرآن برای حاکم زمان یوسف (ع)، لفظ «مَلِک» (یوسف/۴۳، ۵۰، ۵۴، ۷۲ و ۷۶) و برای حاکم زمان ابراهیم تعبیر «الذی... اَنْ اَتَاَهُ اللّٰهُ الْمُلْک» (بقره/۲۵۸) به کار رفته است. با توجه به اولین کاربرد لفظ «فرعون» در عهد قدیم برای پادشاه زمان ابراهیم (ع) و سپس یوسف (ع)، قبل از بررسی فرعون زمان موسی (ع) به بررسی اجمالی فرعون زمان ابراهیم و یوسف (ع) می‌پردازیم.

##### ۱،۷. فرعون زمان ابراهیم (ع)

در عهد قدیم لفظ «فرعون» به عنوان لقب پادشاهان مصر برای اولین بار، برای پادشاه زمان ابراهیم (ع) به کار رفته است. براساس «سفر پیدایش» در زمان ابراهیم نیز فرعون وجود داشته و ابراهیم با او ملاقات و گفتگو داشته است؛ در واقع این

که هر جانی و مجرم و گنهکاری دم از آن می‌زند، بی آنکه ارزشی داشته باشد یا دلیل بر تکامل و صدق گفتار او گردد. از نگاه قرآن ایمان در حال ضرورت و پس از نزول عذاب الهی ارزشی ندارد و پذیرفته نیست بلکه انسان باید در حال اختیار و از روی آگاهی و اراده ایمان بیاورد. (جعفری، بی تا: ۵/۱۴۱) در آیه ۱۸ سوره نساء نیز به عدم پذیرش چنین توبه‌ای اشاره شده است: «برای کسانی که کارهای بد را انجام می‌دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد می‌گوید: «الآن توبه کردم» توبه نیست».

##### ۴،۲،۶. جسد فرعون

قرآن در مورد جسد فرعون می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً...» (ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشی) (یونس/۹۲). در اینکه منظور از بدن در اینجا چیست، در میان مفسران گفتگو است، اکثر آنها معتقدند منظور همان جسم بی جان فرعون است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴/۱۹۰ و ابن عاشور، بی تا: ۱۱/۱۷۲ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۸-۳۶۹)، چرا که عظمت فرعون در افکار مردم آن محیط چنان بود که اگر بدنش از آب بیرون نمی‌افتاد بسیاری باور نمی‌کردند که فرعون هم ممکن است غرق شده باشد، و ممکن بود به دنبال این ماجرا افسانه‌های دروغین در باره نجات و حیات فرعون بسازند، لذا خداوند بدن بی جان او را از آب بیرون افکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۷/۸). اما یکی از شبهاتی که پیرامون این آیه مطرح است این است که آیه مذکور دلالت می‌کند که خداوند فرعون را از غرق شدن نجات داد، چرا که از واژه «نجات» مفهوم رهایی به ذهن می‌رسد و این با آیات دیگری که بیانگر غرق شدن فرعون و همراهان اوست، تناقض دارد (معرفت، ۱۳۸۵: ۴۴۵). در پاسخ باید گفت کسانی که این شبهه را وارد کردند به واژه «بدن» دقت نکردند، زیرا این واژه به معنای جسدی بی جان است و اگر خداوند فرعون را از آب گرفته بود باید واژه بدن را پس از ننجیک نمی‌آورد، از این رو چنین این دو واژه در کنار هم به معنای نجات جسد بی روح فرعون است (معرفت، ۱۳۸۵: ۴۴۶). علامه طباطبایی می‌نویسد: «معنای جمله»

اخناتون بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ بوده است (اهوراکي، ۱۳۸۸: ۱۶).

#### ۵,۷. فرعون زمان موسی (ع)

سومین پیامبری که بعد از حضرت ابراهیم و یوسف، «عهد عتیق» تصریح دارد که در زمان او فرعون در مصر حکومت می‌کرده، حضرت موسی (ع) بوده است. اما، نکته‌ای قابل تأمل اینکه، از زمان تولد موسی (ع) تا زمان خروج ایشان با قوم بنی اسرائیل از دریا، دو فرعون در مصر حکومت می‌کرده‌اند؛ فرعون اول تا زمان اقامت موسی (ع) در مدین بر تخت حکومت می‌نشیند و پس از مردن او (خروج، ۲: ۲۳) فرعون دیگری در مصر حکومت می‌کند. از این جهت است که، موسی (ع) همراه برادرش هارون (ع)، در بازگشت از مدین به سوی مصر، نزد فرعون که جانشین فرعون است که در اووان سلطنت او موسی متولد شده بود، می‌روند. در ادامه به معرفی کامل این دو فرعون و حکومت آنها می‌پردازیم.

#### ۸ فرعون اول زمان موسی (ع)

##### ۱,۸. هویت فرعون اول

«عهد قدیم» از هویت فرعون اول در زمان موسی (ع) همانند فراعنهٔ قبلی در زمان ابراهیم و یوسف (ع) ذکری به میان نیاورده، هیچ تصریحی به نام او نکرده و به همان لقب معروف پادشاهان مصر (فرعون) اکتفا کرده است؛ اما اکثر دانشمندان تاریخ مصر برآنند که این فرعون «رامسس ثانی» است. او پادشاه سیمین از طبقهٔ نوزدهم سلاطین مصر است که در زمان یونانیان به «سوستر» معروف بوده است و او معروفترین فراعنه و پادشاه قاهر و غالب بوده شهرهای بسیاری را مفتوح ساخته است. این فرعون به فرعون تسخیر و جبار نیز معروف است (هاکس، ۱۳۸۳: ۶۴۹ و ۸۱۵). درباره‌اش گفته‌اند که شخصیت افسانه‌ای عجیبی داشته و تاریخ از کمتر پادشاهی به شگفتی او یاد می‌کند (دورانت، ۱۳۶۵: ۲۵۳/۱).

فرضیه‌های دیگری نیز درباره نام و هویت این فرعون، بیان شده است؛ از جمله اینکه گفته‌اند باتوجه به زمان‌بندی خروج بنی اسرائیل، (تقریباً ۹۶۶ ق. م) نام این فرعون «تتموز سوم» (Thutmose III) از پادشاهان سلسله هیجدهم بوده است. از

دیدار بعد از مهاجرت ابراهیم به خاطر خشکسالی به سوی مصر، قلمرو حکومت فرعون صورت می‌گیرد (پیدایش، ۱۲: ۹-۲۰).

#### ۲,۷. هویت فرعون ابراهیم (ع)

قاموس کتاب مقدس درباره هویت فرعون ابراهیم (ع) دو نظریه را مطرح می‌کند (هاکس، ۱۳۸۳: ۸۱۵). برطبق نظریه اول، چون زمام ورود ابراهیم (ع) به مصر بر طبق عقیده عبرانیان ۱۹۲۰ سال قبل از مسیح بوده است، به زعم بعضی‌ها، با سلطنت «هکسوس» مطابق است و بر طبق نظریه دوم، ابراهیم (ع) قبل از آن سال به مصر رفته است، یعنی ابتدای سلطنت سلسله دوازدهمین و آن مطابق با حکومت «سیرتاسن ثانی» می‌باشد.

#### ۳,۷. فرعون زمان یوسف (ع)

بر طبق «سفر پیدایش»، یوسف پیامبر نیز با «فرعون» پادشاه مصر معاصر بوده است (پیدایش ۳۹: ۱)؛ اما از آنجائی که یوسف (ع) همراه با پدر و برادرانش در سرزمین کنعان اقامت داشت، از حیطة حکومت تحت فرمان فرعون خارج بود، ولی به خاطر حسادت و کینه برادرانش نسبت به او، به دنبال خواب‌هایی که یوسف (ع) دیده بود و برای برادرانش بازگو کرده بود، آنها او را (یوسف) به قافله اسماعیلیان به بیست پاره نقره فروختند. این قافله، یوسف (ع) را در مصر به «فوطیفار» خواجه فرعون و سردار او فروختند و بدین سان یوسف (ع) از روی اجبار، به مصر برده شد و تا پایان عمر در قلمرو حکومت فرعون مصر زندگی کرد (پیدایش، ۳۷: ۱-۳۶).

#### ۴,۷. هویت فرعون معاصر با یوسف (ع)

عهد قدیم از هویت فرعون یوسف (ع) همانند فرعون ابراهیم (ع)، ذکری به میان نیاورده و به همان لقب پادشاهان مصر بسنده کرده است؛ اما گفته شده که اسم او «یوسف» از فراعنه «هیکسوس» یا شبانان می‌باشد (هاکس، ۱۳۸۳: ۹۶۹). هم عصر دانستن یوسف با حکومت «اخناتون» که پادشاهی موحد در مصر بوده است بعید شمرده شده، چرا که دوران یوسف ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد بوده و دوران حکومت

کشتی؟ پس موسی ترسید و گفت: یقیناً این امر شیوع یافته است» (خروج: ۲: ۱۱-۱۴)

فرعون اول از ماجرای کشته شدن یکی از مصریان توسط موسی (ع) با خبر می‌شود. لذا تصمیم به قتل موسی (ع) می‌گیرد. موسی (ع) به خاطر ترس از کشته شدن از مصر فرار می‌کند و در سرزمین مدیان ساکن می‌شود. (خروج: ۲: ۱۵)

#### ۴.۸. فرجام فرعون اول

زمانی که موسی (ع) از ترس کشته شدن توسط فرعون اول به خاطر قتل یکی از مصریان به کشور مدین مهاجرت کرده در آنجا تشکیل خانواده داده بود، حادثه مهمی در سرزمین مصر اتفاق افتاد و آن مرگ فرعون اول بود. البته، عهد قدیم اشاره‌ای به نحوه مرگ فرعون اول نکرده است (خروج: ۲: ۱۵-۲۳). گفته شده که فرعون اول هنگام مرگ ۸۵ (پین، ۱۳۷۱: ۲۲۸) یا ۹۰ (دورانت، ۱۳۶۵: ۱/ ۲۵۴) سال سن داشته است؛ صد پسر و پنجاه دختر از وی برجای ماند، فرزندان و فرزند زادگان وی به اندازه‌ای زیاد بودند که از ایشان طبقه خاصی در مصر پیدا شد و مدت چهار قرن دوام پیدا کرد؛ فرمانروایان مصر در مدتی بیش از صد سال از میان همین طبقه انتخاب می‌شدند (دورانت، ۱۳۶۵: ۱/ ۲۵۴).

#### ۹. فرعون دوم زمان موسی (ع)

##### ۱.۹. هویت فرعون دوم

«عهد قدیم» از هویت فرعون دوم در زمان حضرت موسی (ع) همانند فرعون اول، ذکری به میان نیاورده و به همان لقب معروف پادشاهان مصر (فرعون) بسنده کرده است؛ اما نامهای چندی برای این فرعون مطرح شده است. قاموس کتاب مقدس می‌گوید: «علما را در جواب این سؤال اختلاف است، برخی را عقیده این است که نامش «ثوتمس ثانی» است که تخمیناً یک صدسال بعد از فرعون اول زمان موسی می‌زیسته است و برخی دیگر براین عقیده‌اند که نام او «منفثاه» بوده است (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۱۵).

دایرة المعارف کتاب مقدس با ارائه دو دلیل از طرف محققان، دو هویت را برای این فرعون مطرح می‌کند (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳۵) دلیل اول: با توجه به

طرف دیگر بسیاری با توجه به ذکر نام «رعمسیس» در عهد قدیم چنین نتیجه می‌گیرند که نام او «ستی اول» (Seti I) پدر رامسس دوم (Rameses II) بوده است. (محمدیان و دیگران، بی تا: ۱۳۵) نام (رعمسیس) در عهد قدیم پنج بار ذکر شده است. (پیدایش، ۴۷: ۱۱-۱۱ - خروج، ۱: ۱۱ و ۱۲: ۳۷)، اعداد، ۳۳: ۳ و ۵).

#### ۲.۸. فرعون اول و موسی (ع)

فرعون اول برای جلوگیری از گسترش جمعیت و قدرت بنی اسرائیل به دو شیوه متوسل می‌شد. اول اینکه، بنی اسرائیل را در کارهای سخت و طاقت فرسا به کار می‌گرفت و آنها را استثمار می‌کرد تا در موقعیت ضعف قرار گیرند. دوم اینکه، به قابله‌های عبرانی دستور داده بود که اگر فرزند پسری متولد شد، او را بکشند و فرزندان دختر را زنده بگذارند، اما قابله‌ها از خدا ترسیدند و از این فرمان سرپیچی کردند. در این ایام است که حضرت موسی (ع) نیز متولد می‌شود. در «عهد عتیق» در این باره می‌خوانیم:

«و پادشاه مصر به قابله‌های عبرانی که یکی را شفره و دیگری را فوعه بود، امر کرده، گفت: چون قابله گری برای زنان عبرانی بکنید، و بر سنگها نگاه کنید، اگر پسر باشد او را بکشید و اگر دختر بود زنده بماند، لکن قابله‌ها از خدا ترسیدند و آنچه پادشاه مصر به آنها گفت نکردند، بلکه پسران را زنده گذاردند» (خروج، ۱: ۱۵-۱۷)

#### ۳.۸. آغاز درگیری موسی (ع) با فرعون اول

در سفر خروج درباره چگونگی آغاز این درگیری، چنین آمده است: «چو موسی (ع) بزرگ شد، نزد برادران خود بیرون آمد، و به کارهای دشوار ایشان نظر انداخته، شخصی مصری را دید که شخصی عبرانی را که از برادران او بود می‌زد. پس به هر طرف نظرافکنند چون کسی را ندید آن مصری را کشت و او را در ریگ پنهان ساخت. و روز دیگر بیرون آمد ناگاه دو مرد عبرانی منازعه می‌کنند. پس به ظالم گفت: چرا همسایه خود را می‌زنی. گفت: کیست که تو را بر ما حاکم و یا داور ساخته است؟ مگر تو می‌خواهی مرا بکشی چنانچه آن مصری را

خواهم آورد و شما را از بندگی ایشان رهایی دهم...» (خروج، ۶: ۱، ۵-۷، و ۷: ۱-۲)

موسی و هارون در دومین ملاقات خود با فرعون مجدداً از او می‌خواهند تا بنی اسرائیل را آزاد کند؛ اما فرعون به جای اجابت درخواستشان از آنها می‌خواهد که معجزه‌ای برایش بیاورند. در برابر خواست فرعون، هارون(ع) عصایش را می‌اندازد و آن عصا تبدیل به اژدها می‌شود. واکنش فرعون در برابر این معجزه، کمک خواستن از جادوگران برای مقابله با آن بود که نتیجه‌اش شکست ساحران در برابر معجزه هارون(ع) است. هارون(ع) پس از شکست ساحران، باز هم به درخواست موسی و هارون توجهی نکرد و بنا به گفته تورات بر سنگدلی و لجajتش افزود (خروج، ۷: ۱۰-۱۴).

#### ۱۰. بلاهای ده گانه و واکنش فرعون

پس از شکست ساحران در برابر معجزه هارون(ع) و لجajت و عناد فرعون در برابر خواسته این دو، خدا برای تنبیه کردن فرعون بلاهای متعددی را بر وی و قومش فرو فرستاد تا شاید فرعون متنبه شده و قوم بنی اسرائیل را رها کند. تعداد بلاهای نازل شده بر فرعون و قومش بنا به نقل تورات در سفر خروج، ده بلا است.

بلاي اول: اولین بلاي نازل شده بر فرعون، بلاي خون است؛ بلايی که بوسیله عصای هارون تمام آب‌های مصر اعم از آب نهر و دریاچه و حتی آب ظرف‌ها به خون تبدیل شد (خروج، ۷: ۱۹-۲۲، ۲۴ و ۲۵). واکنش فرعون در برابر اولین بلا، افزایش عناد و لجajت او بود (خروج، ۷: ۲۲ و ۲۳).

بلاي دوم: دومین بلاي نازل شده بر فرعون و قومش، بلاي وزغ است که تمام سرزمین مصر را در بر گرفت (خروج، ۸: ۱-۶). فرعون از موسی(ع) خواست که با دعایش در نزد خدا این بلا را برطرف کند تا او به بنی اسرائیل اجازه خروج دهد؛ اما با برطرف شدن این بلا باز هم فرعون اجازه خروج به بنی اسرائیل نداد و برسنگدلی و لجajت خود افزود (خروج، ۸: ۱۲-۱۵).

بلاي سوم: بعد بلاي پشه آمد؛ بلايی که تمام سرزمین مصر را در بر گرفت (خروج، ۸: ۱۶-۱۸). فرعون در برابر این بلا

زمان‌بندی خروج بنی اسرائیل از مصر (تقریباً ۹۶۶ ق.م) نام این فرعون «آمنهوتپ دوم» (Amunhotep II) بوده است. دلیل دوم: با توجه به ذکر نام «رع‌مسیس» در سفر خروج (۱: ۱۱) بسیاری نتیجه می‌گیرند که نام این فرعون «رامسس دوم» (Rameses II) بوده است. مورس بوکای در کتاب خود برای هویت این فرعون فرضیه‌هایی را از طرف بعضی محققان مطرح می‌کند و از میان آنها فرضیه «میفتاح» جانشین «رامسس دوم» را بر می‌گزیند. (بوکای، ۱۳۷۴: ۳۰۶-۳۰۹) فرعون دوم زمان موسی(ع) به «فرعون خروج» نیز معروف است. (هاکس، ۱۳۷۷: ۶۵۰ و محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

#### ۲،۹. فرعون دوم و رسالت موسی(ع)

پس از آنکه موسی از حوریب باز می‌گشت، به گفته تورات خدا سه معجزه را به او عطا کرد: مار شدن عصا، مبروص شدن دست هنگامی که آن را به زیر گریبان می‌برد، و خون شدن آبی که موسی از نهر بگیرد و بر روی خشکی بریزد. (خروج، ۴: ۲-۹) از تقاضاهای موسی(ع) از خدا این بود که کسی را همراهش به نزد فرعون بفرستد تا زبان گویای او باشد؛ چرا که معتقد بود مردی فصیح الکلام نیست. ابتدا خداوند با یادآوری مسأله آفرینش انسان و عطا کردن زبان و بیان به او، به موسی(ع) اطمینان می‌دهد که زبانش را گویا می‌کند؛ اما با درخواست مجدد موسی(ع)، خداوند با خشم و تندی، هارون(ع)، برادرش را به همراهش رهسپار می‌کند (خروج، ۴: ۱۴-۱۶).

بعد از ایمان بنی اسرائیل به موسی و هارون، این دو برای اولین بار به سراغ فرعون می‌روند و از او می‌خواهند که قوم بنی اسرائیل را بنا به خواست یهوه، رها کند؛ اما فرعون یهوه، خدای بنی اسرائیل را منکر شده و خواسته موسی و هارون مبنی بر آزادی بنی اسرائیل را نمی‌پذیرد (خروج، ۵: ۶-۹).

موسی(ع) به خاطر افزایش فشار فرعون بر آنها، شکایت را به نزد خدا می‌برد و به او اعتراض می‌کند که با فرستادنش به سوی بنی اسرائیل به این قوم بدی کرده است و وعده خود را مبنی بر رهایی بنی اسرائیل عملی نکرده است: «خداوند به موسی گفت: ... شما را از زیر مشقت‌های مصریان بیرون

بلای دهم: دهمین و آخرین بلا، مرگ فرزندان ارشد است. این بلا علاوه بر مصریان، بر بهایم آنها هم نازل شد؛ اما طبق وعده‌ای که خدا داده بود به بنی اسرائیل و بهایم آنها آسیبی نرسید (خروج، ۱۱: ۶-۷ و ۱۲: ۲۹-۳۰). فرعون در برابر این بلا (مرگ فرزندان ارشد) چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر خواسته موسی (ع) نداشت؛ به همین خاطر در همان شب نزول بلا، دستور خروج بنی اسرائیل از مصر به فرمان فرعون صادر شد (خروج، ۱۲: ۳۳-۳۳).

#### ۱۱. فرجام فرعون و قومش

##### ۱.۱۱. خروج بنی اسرائیل با اجازه فرعون

بعد از نازل شدن دهمین بلا که همان مرگ فرزندان ارشد در همه خانه‌های مصریان بود، فرعون به بنی اسرائیل اجازه داد تا از مصر خارج شوند (خروج، ۱۲: ۲۹-۳۳). «سفر خروج» کوچ بنی اسرائیل را اینگونه بیان می‌کند: «و بنی اسرائیل از رع‌مسیس به سکوت کوچ کردند، قریب ششصد هزار مرد پیاده، سوی اطفال. و گروهی مختلفیه بسیار نیز همراه ایشان بیرون رفتند...» (خروج، ۱۲: ۳۷-۴۱ و ۱۷: ۲۲).

##### ۲.۱۱. پشیمانی فرعون و تعقیب بنی اسرائیل

پس از رهایی بنی اسرائیل، فرعون از تصمیم خود مبنی بر آزاد کردن بنی اسرائیل پشیمان گشت. قوم فرعون نیز که بعد از بلای دهم اصرار به رفتن بنی اسرائیل داشتند، اظهار پشیمانی کردند؛ از این رو تصمیم گرفتند که به تعقیب بنی اسرائیل بپردازند: «خداوند دل فرعون، پادشاه مصر را سخت ساخت تا بنی اسرائیل را تعاقب کرد و بنی اسرائیل به دست بلند بیرون رفتند. و مصریان را با تمام اسبان و اربه‌های فرعون و سوارانش و لشکرش در عقب ایشان تاخته، بدیشان در رسیدند، وقتی که به کنار دریا نزد فم الحیروت، برابر بعل صفون فرود آمده بودند» (خروج، ۱۴: ۵-۹).

##### ۳.۱۱. معجزه موسی (ع) و نجات بنی اسرائیل

موسی (ع) به فرمان خدا عصای خود را به دریا می‌زند، دریا شکافته می‌شود و بنی اسرائیل به سلامتی از دریا عبور می‌کنند. طبق روایت تورات در حین عبور بنی اسرائیل از دریا، فرشته خدا به شکل ستونی از ابر میان مصریان و بنی اسرائیل حائل

نیز بر لجاجت و سنگدلی خود افزود؛ به نحوی که حتی نصیحت جادوگران را نیز نپذیرفت (خروج، ۸: ۱۹).

بلای چهارم: سپس بلای مگس بود و تمام سرزمین مصر را در بر گرفت به جز منطقه جوشن که بنی اسرائیل در آنجا مقیم بودند. (خروج، ۸: ۲۴) باز فرعون دست به دامن موسی (ع) شد تا با دعایش به درگاه خدا این بلا را برطرف کند؛ اما به محض برطرف شدن بلا، باز هم فرعون به بنی اسرائیل اجازه خروج نداد. (خروج، ۸: ۲۹-۳۲)

بلای پنجم: پنجمین بلای نازل شده بر فرعون و قومش بلای ویا است. این بلا بر مواشی فرعون و قومش اعم از اسبان و شتران و... نازل شد و همه مواشی مصریان مردند؛ اما بر مواشی بنی اسرائیل نازل نشد. (خروج، ۹: ۴-۶) «اما دل فرعون سخت شده، قوم را رهایی نداد» (خروج، ۹: ۷).

بلای ششم: ششمین بلا، بلای دمل است؛ بدین صورت که به فرمان خدا، موسی و هارون مشت‌های خود را از خاکستر کوره پر کردند و در حضور فرعون به طرف آسمان پرتاب کرده که بر اثر آن دمل‌هایی در مصریان و بهایم آنها بیرون آمد (خروج، ۹: ۱۰ و ۱۱) اما باز فرعون بی توجهی کرد (خروج، ۹: ۱۲).

بلای هفتم: هفتمین بلا، بلای تگرگ است؛ اما این بلا نیز، همانند بلاهای نازل شده، به بنی اسرائیل که در سرزمین جوشن بودند آسیبی نرساند (خروج، ۹: ۲۲-۲۶). واکنش فرعون به این صورت است که ابتدا اظهار پشیمانی و گناه می‌کند و از موسی می‌خواهد که برای برطرف شدن بلا دعا کند؛ اما به محض برطرف شدن بلا، باز هم به خواسته موسی توجهی نکرده و بر لجاجت خود می‌افزاید (خروج، ۹: ۲۷ و ۲۸، ۳۳-۳۵).

بلای هشتم: هشتمین بلایی که بر فرعون و قومش نازل شد، بلای ملخ بود (خروج، ۱۰: ۱۲-۱۵) و فرعون همان واکنش‌های سابق را انجام می‌دهد (خروج، ۱۰: ۱۶-۲۰).

بلای نهم: نهمین بلا، بلای تاریکی است. (خروج، ۱۰: ۲۱-۲۳) بلای تاریکی، همانند دیگر بلاهای نازل شده جز بر عناد و لجاجت فرعون نیفزود. (خروج، ۱۰: ۲۷)

می‌شود تا بنی اسرائیل فرصت کافی برای عبور از دریا داشته باشند (خروج، ۱۴: ۱۹-۲۲).

#### ۴.۱۱. غرق شدن فرعون و قومش

پس از عبور تمامی بنی اسرائیل از دریا، فرعون و قومش برای تعقیب آنها وارد دریا می‌شوند؛ اما طبق روایت تورات، خداوند با جلوه کردن به صورت ستونی از ابر و آتش در دریا، حرکت فرعون و قومش را برای تعقیب بنی اسرائیل آشفته و کند می‌کند و همین امر باعث ترس و دلهره مصریان می‌شود به نحوی که تصمیم می‌گیرند که از تعقیب بنی اسرائیل دست بردارند؛ اما به فرمان خدا حضرت موسی (ع) دست خود را به دریا می‌زند و دریا به حالت اولیه خود برمی‌گردد و فرعون و قومش در میان امواج سهمگین غرق می‌شوند. طبق روایت تورات هلاکت فرعون و قومش در هنگام طلوع صبح است (خروج، ۱۴: ۲۳-۳۱). سفر خروج، باب ۱۵ آیه ۴ نام دریایی که فرعون و قومش در آن غرق شده‌اند را «بحر قلزم» معرفی می‌کند. غیر از «سفر خروج» اسفار دیگر از «عهد عتیق» نیز این دریا را «بحر قلزم» معرفی کرده‌اند. (تثنیه، ۱۱: ۴ - یوشع، ۲: ۱۰ و ۲۳: ۲۴ - نحمیا، ۹: ۹-۱۱ - مزامیر، ۱۰۶: ۷-۱۱ و ۱۳۶: ۱۳-۱۵)

#### ۱۲. مقایسه

در این بخش، به طور فهرست وار به مقایسه قرآن و عهد قدیم در معرفی فرعون زمان موسی (ع) پرداخته می‌شود.

۱،۱۲. آنچه از همه جهات یا برخی جهات بین قرآن و عهد قدیم مشترک است

۱- در قرآن و عهد قدیم اشاره‌ای به نام فرعون زمان موسی (ع) نشده است.

۲- به نظر می‌رسد در قرآن از یک فرعون در زمان موسی (ع) حکایت می‌کند؛ اما عهد قدیم از دو فرعون در زمان موسی (ع) حکایت می‌کند. فرعون اولی تا زمان اقامت موسی (ع) در مدین زنده هست و عهد قدیم اشاره‌ای به نحوه مرگ او نمی‌کند. فرعون دومی، از زمان نبوت موسی (ع) تا زمان خروج بنی اسرائیل از مصر، حکومت می‌کند و در قضیه تعقیب بنی اسرائیل در دریا غرق می‌شود.

۳- قرآن و عهد قدیم هر دو فشار و ستم فرعون زمان موسی (ع) بر بنی اسرائیل، که کشتن پسران و بردگی آنها می‌باشد را حکایت می‌کند.

۴- هم قرآن و هم عهد عتیق در فرار موسی (ع) به مدین از ترس کشته شدن توسط فرعون، مشترک هستند.

۵- قرآن و عهد عتیق درباره تقاضای موسی (ع) از خدا برای انتخاب هارون به عنوان زبان گویا و پشتیبان موسی (ع) مشترکند.

۶- هر دوی قرآن و عهد عتیق، بر پیروزی موسی و هارون بر ساحران فرعون مشترکند.

۷- قرآن و عهد عتیق، افزایش اذیت و آزار بنی اسرائیل توسط فرعون، بعد از مبعوث شدن موسی (ع) و شکایت بنی اسرائیل از موسی (ع) را، حکایت می‌کنند.

۸- قرآن و عهد عتیق، حرکت بنی اسرائیل را در شب به سوی دریا می‌دانند، البته عهد قدیم مفصل‌تر بیان می‌کند.

۹- قرآن و عهد عتیق در شکافته شدن دریا با معجزه حضرت موسی (ع) و گذشتن بنی اسرائیل از آن و غرق شدن فرعون اتفاق نظر دارند.

۱۰- قرآن و عهد عتیق درباره زمان هلاکت فرعون و قومش در هنگام طلوع آفتاب اتفاق نظر دارند (شعراء/۶۰ و خروج، ۱۴: ۲۳-۳۱).

۱۲، ۲. آنچه با وجود اختلاف در کم یا کیف بین قرآن و عهد قدیم مشترک است

۱- در قرآن داستان فرعون (طاغوت زمان موسی) به طور گزینشی، موجز و پراکنده در سوره‌های متعددی مطرح شده، اما در عهد قدیم، تقریباً به صورت یکجا و به ترتیب زمانی در «سفر خروج» بیان شده است.

۲- در قرآن، کلمه «فرعون» تداعی کننده پادشاه زمان موسی (ع) است، اما عهد قدیم صراحت دارد که قبل از موسی (ع) در زمان حضرت یوسف و ابراهیم هم، فرعون‌هایی وجود داشته است.

۳- در قرآن، کلمه فرعون دارای بار کاملاً منفی است، اما در «عهد قدیم» این کلمه، چنین معنایی را تداعی نمی‌کند، حتی

۱۳- در قرآن از ۷ بلای نازل شده بر فرعون بر اثر نفرین موسی(ع) حکایت می‌کند، اما در عهد قدیم از ده بلا سخن به میان آمده و اشاره‌ای به نفرین موسی(ع) نشده است.

۱۴- قرآن خروج بنی اسرائیل از مصر را به اذن خدا می‌داند؛ ولی در عهد عتیق با اذن فرعون و اصرار مصریان.

۱۲، ۳. آنچه اختصاص به قرآن دارد

۱- قرآن ذکر می‌کند که همسر فرعون از حامیان و مؤمنان به رسالت موسی است و از کشته شدن موسی توسط فرعون هنگام گرفته شدن از آب جلوگیری می‌کند؛ ولی در عهد قدیم ذکری از همسر فرعون نشده است.

۲- در قرآن موارد متعددی از رذائل اخلاقی فرعون بیان شده است؛ اما عهد عتیق در مقایسه با قرآن به موارد کمتری اشاره کرده است.

۳- در قرآن، فرعون انواع تهمت‌ها و جسارت‌ها را به موسی و هارون انجام می‌دهد؛ ولی در عهد عتیق از این تهمت‌ها و جسارت‌ها خبری نیست.

۴- در قرآن به انکار نبوت یوسف(ع)، توسط فرعون و پیروانش اشاره شده (غافر/ ۲۸ و ۳۴)؛ ولی در عهد عتیق به ناسپاسی فرعون به خدمات یوسف(ع) اشاره شده است (پیدایش، ۴۰: ۱-۲۳).

۵- قرآن فرعون را، مدعی الوهیت و ربوبیت معرفی می‌کند؛ ولی در عهد عتیق از این امور سخنی به میان نیامده است.

۶- در قرآن، فرعون کسانی که الوهیت او را نپذیرند تهدید به زندانی شدن می‌کند؛ ولی در عهد عتیق سخنی از آن به میان نیامده است.

۷- قرآن از وزیری به نام هامان برای فرعون حکایت می‌کند که نقش مهمی در اذیت و آزار موسی(ع) و بنی اسرائیل دارد (غافر/ ۲۳-۲۵ و قصص/ ۳۸)؛ ولی در عهد قدیم، سخنی از هامان نیست.

۸- در قرآن، اشراف فرعون از بزرگترین دشمنان موسی(ع) هستند (اعراف/ ۱۲۷)؛ ولی در عهد عتیق سخنی از اشراف فرعون نیست.

می‌توان گفت که این کلمه دارای بار کاملاً مثبت در داستان یوسف(ع) و فرعون زمانش می‌باشد.

۴- قرآن و عهد قدیم هر دو از سپرده شدن موسی(ع) بر آب، توسط مادرش به خاطر ترس از کشته شدن موسی توسط فرعون حکایت می‌کنند، با این تفاوت که در قرآن، مادر موسی(ع) به امر خدا این کار را می‌کند، ولی در عهد قدیم، مادر موسی(ع) خود تصمیم به چنین کاری می‌گیرد.

۵- عهد قدیم ذکر می‌کند که موسی(ع) پس از سپرده شدن به آب، به دست دختر فرعون افتاد؛ ولی قرآن همسر فرعون را ذکر می‌کند.

۶- در قرآن فرعون سه بار تصمیم به قتل موسی می‌گیرد و در عهد قدیم یک بار، آن هم توسط فرعون اول.

۷- در قرآن وحی بر موسی را در زمانی میداند که او با خانواده اش در راه بازگشت از مدین به سوی مصر است؛ ولی عهد قدیم وحی بر موسی را در زمانی بیان می‌کند که او در حال چرانیدن گله پدرزن خود «یترون» است و این وحی درست در زمانی است که فرعون اول در مصر از دنیا رفته است.

۸- در قرآن، مأموریت موسی(ع) هدایت فرعون و نجات بنی اسرائیل ذکر شده، اما در عهد عتیق مأموریت موسی(ع) نجات بنی اسرائیل به عنوان قوم برگزیده از چنگال فرعون دوم، بیان شده است.

۹- به گفته قرآن موسی(ع) خود را فرستاده رب العالمین می‌داند؛ ولی در عهد قدیم موسی و هارون(ع) خود را فرستاده خدای عبرانیان معرفی می‌کنند (زخرف/ ۶۷ و خروج، ۵: ۶-۹).

۱۰- در قرآن موسی و هارون به سوی فرعون و اشرافش می‌روند؛ ولی در عهد عتیق به سوی فرعون.

۱۱- در قرآن معجزه اصلی موسی(ع) مار شدن عصا و سفید شدن دست، بدون عیب است و در عهد عتیق مار شدن عصا و سفیدی دست بر اثر برص است (خروج، ۴: ۲-۹).

۱۲- در قرآن موسی(ع) نزد فرعون عصا می‌اندازد؛ ولی در عهد عتیق هارون(ع) (خروج، ۷: ۱۰-۱۴).

۱۹- قرآن از ایمان و توبه فرعون هنگام غرق شدن و پذیرفته نشدن آن توسط خداوند سخن گفته (یونس/۹۰-۹۱)، که در عهد عتیق سخنی از آن نیست.

۲۰- در قرآن از نجات بدن فرعون بعد از غرق شدن حکایت شده (یونس/۹۲)؛ اما در عهد عتیق سخنی از آن نیست.

۲۱- قرآن از عذاب شدید فرعون در جهان برزخ و عالم قیامت حکایت می‌کند؛ اما در عهد عتیق سخنی از آن نیست.

۴، ۱۲. آنچه اختصاص به عهد قدیم دارد

۱- در عهد قدیم به سرپیچی قابله‌ها از دستور فرعون مبنی بر کشتن فرزندان پسر، هنگام تولدشان اشاره می‌کند و سرپیچی قابله‌ها را ناشی از خداترسی آنها می‌داند، اما در قرآن در این باره سخنی به میان نیامده است.

۲- عهد قدیم از ساخته شدن شهر «رعمسیس» به فرمان فرعون حکایت می‌کند (خروج، ۱۲: ۳۷-۴۱ و ۱۷: ۱۳-۲۲)؛ ولی در قرآن اشاره‌ای به آن نشده است.

۳- قرآن اشاره‌ای به تعداد بنی اسرائیل هنگام خروج نمی‌کند؛ ولی عهد عتیق، تعداد را بیان می‌کند.

۴- در عهد قدیم حکایت شده است که خدا هنگام خروج بنی اسرائیل از مصر، روزها، در ستون ابر و شهباء در ستون آتش پیشاپیش آنها راه می‌رفت (خروج، ۱۲: ۳۷-۴۱ و ۱۷: ۱۳-۲۲)؛ اما در قرآن به این مسأله اشاره‌ای نشده است و قرآن خداوند را از این امور مبرا می‌داند.

۵- در عهد قدیم حکایت شده است که فرشته خدا به صورت ستونی از ابر بین مصریان و بنی اسرائیل حائل شده تا بنی اسرائیل فرصت کافی برای عبور از دریا داشته باشند (خروج، ۱۴: ۱۹-۲۲)؛ اما در قرآن به این مسأله اشاره نشده است.

۶- در قرآن به نام دریایی که فرعون در آن غرق شده اشاره‌ای نشده است؛ اما عهد عتیق معتقد است نام دریا «قلزم» بوده است (خروج، ۴: ۱۵).

### ۱۳. نتیجه

با مقایسه قرآن و عهد قدیم درباره موضوع فرعون و شخصیت او به این نتیجه کلی می‌رسیم که این موضوع اگرچه در هر دو کتاب مقدس مطرح شده اند، اما تفاوت‌هایی نیز بین آنها

۹- مهمترین شاخصه و امتیاز قرآن در بیان سرگذشت فرعون و دیگر طغیان‌گران، تأکید بر جنبه عبرت آموزی و هدایتی داستان است که آن را در بیان کلیت داستان، از عهد عتیق متمایز می‌سازد.

۱۰- در قرآن به ساخته شدن برجی بلند توسط هامان، به دستور فرعون اشاره شده است (قصص/۳۸)؛ اما در عهد عتیق به این موضوع اشاره نشده است.

۱۱- قرآن، فرعون را فردی مشرک، کافر به خدا و رسالت موسی(ع) و معجزاتش و منکر قیامت و حسابرسی معرفی می‌کند؛ ولی در عهد قدیم به این موضوعات اشاره نشده است.

۱۲- در قرآن، فرعون معتقد به وجود فرشتگان می‌باشد؛ ولی در عهد قدیم به این اعتقاد فرعون اشاره نشده است.

۱۳- در قرآن از بلایای نازل شده بر فرعون بر اثر نفرین موسی(ع) حکایت می‌کند، اما اگرچه در عهد قدیم از بلایا سخن به میان آمده ولی اشاره‌ای به نفرین موسی(ع) نشده است.

۱۴- در قرآن ساحران فرعون به خداوند ایمان می‌آورند (اعراف/۱۱۳-۱۲۲- شعراء/۳۸-۴۸- طه/۶۴-۷۰)، اگرچه فرعون آنها را تهدید به قتل و به دار آویختن می‌کند (اعراف/۱۲۴- طه/۷۱ و شعراء/۴۹)؛ ولی در عهد قدیم سخن از ایمان ساحران و تهدید فرعون نیست.

۱۵- در قرآن، فرعون بر قدرت و ثروت خود برای تحقیر کردن موسی(ع) می‌بالد، ولی در عهد قدیم سخنی از آن به میان نیامده است.

۱۶- قرآن از پیشگامی فرعون در ورود به جهنم همراه پیروانش حکایت می‌کند (هود/۹۸)؛ اما در عهد عتیق سخنی از آن نیست.

۱۷- در قرآن، سپاهیان فرعون نیز همانند او افرادی ظالم و مستکبر معرفی می‌شوند؛ ولی در عهد قدیم به ویژگی سپاهیان فرعون اشاره نشده است.

۱۸- در قرآن، به مجادله و نزاع فرعون و پیروانش در جهنم اشاره شده است (غافر/۴۷-۵۰)؛ اما در عهد عتیق سخنی از آن نیامده است.



اما موضوعات دیگری نیز وجود دارند که اگرچه به ظاهر در هر دو آمده، اما اختلافاتی جزئی در کم و کیف بیان آنها وجود دارد. مثلاً اگرچه قرآن و عهد عتیق به آب انداختن موسی توسط مادرش را گزارش کرده اند، اما قرآن این کار را به دستور خدا و تورات آن را از سر ترس بر کشته شدن موسی می داند. یا آنکه به بیان قرآن، همسر فرعون موسی را از آب می گیرد، اما عهد عتیق دختر فرعون را ذکر می کند. یا مثلاً در هر دو کتاب فرعون تصمیم به قتل موسی می گیرد، اما در قرآن سه بار و در عهد عتیق یک بار. عامل خروج بنی اسرائیل از مصر، اصرار مصریان است، اما قرآن آن را اذن الهی می داند.

#### منابع

- ۱- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- ۳- کتاب مقدس (عهد قدیم و جدید)، ترجمه فارسی قدیم.
- ۴- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ۵- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ۶- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۹۸۸م). لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۷- اهواری، امیر. (۱۳۸۸). «حلقه مفقوده سریال یوسف با وصیت یعقوب به بنی اسرائیل»، نشریه هفت اقلیم (ویژه ادیان و مذاهب)، پیش شماره ۵-۴، ص ۲۱-۱۹.
- ۸- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- ۹- بوکای، موریس. (۱۳۷۴). مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله صفا، بی جا: دفتر نشر.
- ۱۰- پین، الیزابت. (۱۳۷۱). فرعونها هم می میرند، ترجمه حسن پستا، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی)، چاپ دوم.
- ۱۱- تقفی، تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ ق). تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم.

مشاهده می شود. قرآن کریم داستان فرعون را به طور موجز، پراکنده و گزینشی مطرح ساخته است؛ اما عهد قدیم آن را یک جا و به ترتیب زمانی در «سفر خروج» مطرح می کند. برای مقایسه این داستان در قرآن و عهد قدیم، می بایست وجوه اشتراک و اختلاف این داستان را در هر دوی قرآن و عهد عتیق جست. نتیجه اینکه برخی موضوعات هستند که فقط مد نظر قرآن بوده اند. به عنوان مثال می توان گفت بیان رذایل اخلاقی فرعون تنها در قرآن آمده است. فرعون قرآن نسبت به موسی و هارون رفتاری بی ادبانه و موهنانه دارد، ثروت خود را به رخ موسی می کشد و اگر کسی الوهیت او را نپذیرد به زندان و قتل تهدید می شود. جنبه عبرت آموزی که قرآن در داستان فرعون و سایر طغیان گران بر آن تاکید می کند از ویژگی های منحصر به فرد ارائه داستان قرآن است. از جمله موارد دیگری که در داستان فرعون، به قرآن اختصاص دارد، توبه فرعون در لحظات پایانی عمر خود به هنگام غرق شدن در دریاست.

اما برخی موضوعات نیز هستند که فقط عهد عتیق به آن پرداخته است. مثلاً عهد عتیق به سرپیچی قابله ها از دستور فرعون برای کشتن فرزندان پسر اشاره می کند. یا اینکه عهد عتیق کمیت بنی اسرائیل به هنگام خروج از مصر را بیان می کند. از جمله موضوعات دیگری که تنها در عهد عتیق مطرح شده است، نام دریای «قلزم» است که فرعون در آن غرق شد و نیز بیان شده که فرشته الهی به صورت ابر بین بنی اسرائیل و مصریان حایل شد، تا بنی اسرائیل فرصت عبور از دریا را پیدا کنند.

مباحثی نیز وجود دارند که هم قرآن و هم عهد عتیق به آنها پرداخته اند و تقریباً به طور مشابه آن مباحث را مطرح کرده اند. به عنوان مثال در هیچ یک از تورات و قرآن اشاره ای به نام فرعون زمان موسی نشده است. هر دوی قرآن و عهد عتیق بر ظلم و ستم فرعون اشاره کرده اند. فرار موسی به مدین از ترس کشته شدن توسط فرعون در هر دو کتاب مقدس گزارش شده است و در نهایت هر دو کتاب پیروزی موسی بر فرعون را متذکر می شوند.

- ۱۲- جعفری، یعقوب. (بی تا). تفسیر کوثر، بی جا: بی نا.
- ۱۳- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق). *انوار درخشان*، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
- ۱۴- دورانت، ویل. (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریان پور، تهران: بی نا، چاپ اول.
- ۱۵- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). *مفردات الفاظ قرآن کریم*، ترجمه حسین خداپرست، قم: نوید اسلام، چاپ اول.
- ۱۷- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم.
- ۱۸- سازندگی، محمد مهدی. (۱۳۸۹). *تاریخ انبیاء از آغاز آفرینش تا عروج عیسی*، قم: مبارک، چاپ اول.
- ۱۹- شوشتری (مهرین)، عباس. (۱۳۷۴). *فرهنگ کامل لغات قرآن*، بی جا: گنجینه، چاپ سوم.
- ۲۰- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). *مجمع البیان*، ترجمه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
- ۲۴- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا: اساطیر، چاپ سوم.
- ۲۵- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۶- طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
- ۲۷- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر الصافی*، تهران: الصدر.
- ۲۸- قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۸). *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستانهای انبیاء در تفاسیر قرآن*، تهران: سروش، چاپ چهارم.
- ۲۹- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۳۰- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
- ۳۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۲- قطب، سید بن ابراهیم شاذلی. (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- ۳۳- محمدیان، بهرام. (۱۳۸۰). *دایره المعارف کتاب مقدس*، تهران: روز نو، چاپ اول.
- ۳۴- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۵). *نقد شبهات پیرامون قرآن کریم*، ترجمه حسن کلیم باشی، علی اکبر رستمی، میرزا علیزاده و حسن خرقانی، قم: نشر التمهید، چاپ اول.
- ۳۵- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۷- میرزا خسروانی، علی رضا. (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی*، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ اول.
- ۳۸- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۳). *فرهنگ قرآن*، کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- ۳۹- هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر، چاپ اول.